

هرگز نبرد آنکه دلم زنده شد به عشق  
فیت است بر جریده عالم دوام

خواجہ حافظ میرا زی در شوروی  
و نگاہی به ترجمہ های روسی فیض لیاتار

منصد و پنجاہ سال است کہ حافظ در زاد گاہ ہر نوگس و نافرین خود  
و در سراسر دنیا زندگی میکند . این شاعر بے فرزند ہنرمند قرن ۱۴ میلادی  
با گامہای بلند و خوغا ہنیک خود از بلکان اعصار گاہ خفہ و گاہ برآفہ  
قرن وسطائی بالا رفقہ و امروز در رہیف بزرگترین سخنوران جہان ہمراہ ما -  
بلکہ پیشا پیش ما در دنیا گردہ می کند و پس از چند گاہی نسل و عصر ما را پشت سر  
گذاشہ با سرودہای سحر انگیز و جاودانہ خود <sup>باز</sup> ~~نسل~~ ~~عصر~~ و عصرها و دور آیندہ  
همچنان محبوب و سرافراز خواهد زیست .

راز جاودانگی حافظ - این ہمیشہ شعر - این محرم اسرار مردان و زنان قرن  
در انسان دوستی و انسان شناسی بی نظیر اوست و حافظ یک بار برای ابد بہ <sup>روشن</sup> ذوقی پر سایہ  
روح انسانی راہ یافت . آنرا مخیر کرد و ہزاران رنگ و آمنگ آشنا و نا آشنا ی آنرا در  
آینہ درختان شعر خود منعکس ساخت . از آنروست کہ هر کسی در هر عصری و با هر  
ایمان و اعتقادی کہ دارد باشد گوشہ ای از حالات روحی و معنویات و تائیدی  
از شاہیہا و غمها و آرزوہای خود را <sup>معاذ</sup> شعر حافظ خواهد یافت . و بازم  
باز این روست کہ حافظ از طرف مردم اعصار لقب لسان الغیب گرفته است .  
در حقیقت شعر حافظ موسیقی روح انسان و سرود زندگی و زیبا نیہای آنست .  
عصر الدین حافظ - این <sup>رشد</sup> خرابانی کہ خود را شہرہ شہر بہ عشق و زینتی میدانست  
بسی زود آوای شہر من از مرز شہرہا و کشورہا گذشت و توجہ خاص بزرگان و شہر یاران  
عصر را بخود جلب کرد . هنوز جوان بود کہ محمود شاہ بہمنی اورا بہ ہندستان  
دعوت کرد و امپراطور خون و آتش - تیمور گورکان چنان مفتون حافظ شد  
کہ گویا برای لشکر کشیہای خود از دستنویس اشعار خواجہ حافظ فال میگرفت .  
اگر ہم این الفانہ باشد باز دلیل بر آنست کہ معاصران و دوستان حافظ برای  
بزرگداشت این شاعر آزادہ کہ سر کنند و بخارا را بہ حال ہندوی یا رہی بخشید  
فالح آسیا را مرید معنوی وی قلمداد کنند .



نقش بی نظیر حافظ در تاریخ ادبیات ملل فارسی زبان و شهرت جهانی نگین او  
 بر همه معلوم است . از قرن ۱۷ که غزلیات حافظ بیرونی از زیبا نهی  
 اروپایی ترجمه شد بین ملل غرب نیز ~~محبوب~~ متاثران فراوان یافت . از آن  
 پس روح و اندیشه حافظ الهام بخش بسیاری از شاعران اروپا شد .  
 مخنبر بزرگ آلمان - گوته نسبت به شاعران کلاسیک ایران بویژه حافظ  
 علاقه و احترام فراوان داشت . دیوان " غرب و شرق " او که فصل دوم آن  
 " کتاب حافظ " نام دارد نمودار آشنائی و دلچسپی بی کران گوته به حافظ میباشد .  
 " سخن دوشیزه ای است که با جان پیوسته ( زناشویی ) دارد و تنها دوستداران  
 حافظ با این پیوند آشنا هستند . " از اینگونه <sup>مورد</sup> ~~مورد~~ سخن در اشعار گوته  
 فراوان است .

الکساندر پوشکین - شاعر نابغه روس نیز با شاعران متقدم ایران و بخصوص  
 با حافظ آشنائی داشت و او را در اشعار و نامه های خود با رها یاد کرده است  
 در سال ۱۸۲۴ شعر " ای دختر گل سرخ " را با همان شور شیوه حافظ  
 سرود و شعر " از حافظ " سال ۱۸۴۹ نشانه دیگری است که پوشکین  
 حافظ را بسیار می پسندیده است .

در قرن ۲۰ شاعران دیگر روس مانند و . بروسوف ( V. Broosov )  
 و - ایوانف و مخصوصاً سرگه یسه نین آنان را در تذکره عطری از گلزار  
 حافظ را به تمام خواننده میرسانند . و تا " غیر مستقیم یا غیر مستقیم این  
 مخنبر بزرگ ایران در آن آثار حس میشود . سلسله اشعار " آهنگهای ( موتیوم )  
 ایرانی یسه نین ~~کلمه~~ <sup>کلمه</sup> شاه گرم ترین و مهمی ترین احساسات عروج جوان روس ~~است~~  
 نسبت به طبیعت خرم و هنرشکوفان و زیبائی دختران ایرانی است . میگویند  
 یسه نین هرگز در ایران نبوده اما با چنان توصیفات شاعرانه و سحر انگیزی  
 این سرزمین را می ستاید که خواننده را مفتون ایران میکند و به احتمال قوی  
 حافظ و شیراز و بیرونیائی که در غزلش قرنهای ماضیانه زندگی ( میکنند )  
 الهام بخش یسه نین بوده است . باید یاد آورد که غزل حافظ جوهره حتی  
 در فرم شعر روسی او آخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ نیز تأثیر کرد و بعضی  
 شاعران به شکل بی سابقه در شعر روسی یعنی غزلیاتی روی آوردند .

غزلیات حافظ در قرن ۱۹ از زبان های فرانسه و آلمانی بروسی  
 ترجمه شده و در مطبوعات آن زمان انتشار یافت .  
 نیکلا د - ویته ( De-Vitte ) چند غزل حافظ را از فرانسه  
 به شعر روسی برگردانند که از روح حافظ دور بود . سپس  
 ا . فت ( A. Fet ) چندین غزل حافظ را از زبان آلمانی بروسی



ترجمه کرد و در مجموعه ای بعنوان " از حافظ " انتشار داد. هر چند وقت برای شناختن و شنا ساندن حافظ بخوانندگان روس و فلاهای ارزنده ای کرده ولی نمیتوان گفت که در کار خود چندان فوقی بدست آورده است. و بهمین سبب است که نویسنده مشهور روس - لئون تولستوی در نامه ای بیکی از دوستانش نوشت که آشنا کسی با شاعر بزرگ ایران - حافظ متوسط ترجمه از ترجمه زبان دیگر بهیچوجه میر نیست و از او خواست که دیوان حافظ را برای وی بفروشد. در سال ۱۹۱۶ ف - کرش (Korsh) در کتاب " لیریک فارسی در اعصار ۱۰ - ۱۰ " و ۹ کریمسکی (Krumski) در کتابهای " حافظ و نغمه های او"

(سال ۱۹۲۴ شهر کیف) و " تاریخ ایران و ادبیات آن " بعضی از غزلیات حافظ را بروسی برگردانده و انتشار دادند. این ترجمه ها دقیق و با صلاح آکادمیک بود ولی دور از روح شعر حافظ.

حافظ شناسی و ترجمه غزلیات حافظ به شعر روسی در زمان حکومت شوروی رواج و رونق گرفت. دانشمندان ایرانشناس و شاعران شوروی چه در پیشگفتارها نیکه بر مجموعه های <sup>ترجمه</sup> غزلیات حافظ نوشته اند و چه در آثار متعددی که در باره ادبیات کلاسیک ایران انتشار داده اند نام بلند حافظ را همه جا در ردیف نوابغ شعر جهان بحق ثبت کرده اند.

۴ - ی. برطس و الکساندر بولدرف و ی. براگینسکی و ادیبان دیگر همگی حافظ را شاعر بیمانند ایران و مغرب کم نظیر جهان مینامند - " حافظ - این شاعر نابغه یکی از بزرگترین شاعران لیریک همه اعصار و همه ملل روی زمین است " این جمله است از پروفیسر براگینسکی در دیباچه " لیریک حافظ " مولف کتاب " شعر قرن افکار " م. زند معتقد است که حافظ نه تنها در ادبیات خود نزدیک و میانه بلکه در سراسر ادبیات قرون وسطایی جهان نظیر و همعاند دارد.

باید یاد آور شد که از سال ۱۹۳۵ که ی. دونایوسکی ( در لنینگراد ترجمه غزلیات حافظ را به غزل روسی در مجموعه " لیریک حافظ " انتشار داد تا امروز باها " لیریک حافظ " توسط شاعران مترجم روس و انتشار یافته است. مثلا ۵۰ غزل حافظ را کیمیاگران سلوویچسکی ( و لیبسکه روف ) ( ترجمه کرده اند در سال ۱۹۴۹ با اهتمام براگینسکی در تاجیکستان بجا برسد و از آن پس مجموعه های جداگانه ترجمه غزلیات حافظ در سالهای ۱۹۵۶ و ۱۹۶۳ و ۱۹۶۵ و ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ انتشار یافته است.



بیش از آنکه نگاهی به چگونگی ترجمه های روسی غزل حافظ بکنیم باید  
 در نظر داشته باشیم که اصولاً برگردان نه تنها شعر لیریک بشکل شعر زبان دیگر کاری  
 است بس دشوار، خاصه اگر آن شعر اقیانوس بیکران غزل حافظ شیرازی باشد که  
 در قالب هیچ ترجمه ای نمی گنجد. این ابد آدلیل نارسا بودن زبانها و ترجمه ها  
 نیست بلکه بنظر نگارنده برای خواننده فارسی زبان هم حتی دشوار و شاید ناممکن  
 است که بخواند شعر حافظ را از نو بزبان خود بازگو و تفسیر کند بطوریکه  
 شور و موسیقی و روح شعر حافظ را حفظ کرده باشد. مثلاً با چه کلمات فارسی  
 دیگری میشود این شاهکار نغمه عشق را بازگو کرد؟

تو همچو صبحی و من شمع خلوت محرم  
 تبسمی کن و جان بینم که چون همی سپرم  
 چنانکه در دل من داغ زلف سوختن است  
 بنفشه زار شود تو بستم چون در گذرم .

برای اینکه به بینیم شاعر روس - دونایوسکی تا چه حد موفق شده این ابیات  
 را بزبان خود برگرداند کافی است شعر روسی او را با زبان فارسی ترجمه کنیم تا کار  
 مقایسه ترجمه با اصل آسان تر شود .

تو همچو روشنی صبحی و من چراغ غمناک شب  
 چنانکه تبسم تو شاهانه جان خواهم سپرد  
 چنانچه سنبل زلف تو دلفرا را داغدار کرده (سوزانده)  
 که تا ابد در خاک میان باغ سنبل خواهم خفت .

شاعر دیگر روس آ. کاجفک ( ) که منتقدان او را از بهترین مترجمان  
 حافظ میدانند

درخت دوسعی بنشان که کام دل بیار آورد  
 نهال دشمنی بر کن که رنج بی شمار آورد

را اینطور ترجمه کرده :

درخت دوسعی بنشان که غم نیکی بیار آورد  
 شاخه دشمنی را بر کن که موجب صد رنج و درد است .

در این غزل روسی هم ظاهراً هم ردیف بکار برده شده که ترجمه را از حیث  
 فرم هم به اصل نزدیک میکند و مترجم با همه بیگانگی توانین ظاهر بندگی شعر فارسی  
 برای شعر روسی در کار خود موفق شده است .

۱ . سلوینسکی ( ۸ ) مترجم موفق غزلیات حافظ است

که در این کار جهد فراوان کرده و برای نمونه مطلع غزل حافظ و ترجمه آنرا  
 از نظر میگذرانیم .

زلف آشفته و خوی کرده و خندان لب و مست

پیرومن چاک و غزلخوان و صراحی در دست ...



مرغوبی و سرمست و روشن چوماه  
در جامه حریر نیمه چاک با صراحی شرباب...

و بالاخره دو شاعر دیگر <sup>بسیاری از</sup> که آثار شاعران کلاسیک ایران را به شعر روسی برگردانده اند  
یعنی - س. لیبکین ( ) و و. درزاوین ( ) به ترجمه فولکیات  
حافظ نیز پرداخته اند - در اینجا باز نمونه ای از کار آنها آورده میشود

هزار دشمنم از میکنند قصد هلاک  
گرم تو دوستی از دشمنان ندانم باک

لیبکین <sup>ترجمه</sup> بیت بالا را بدین شکل کرده  
بگذار هزار دشمن من نزدیکی مرگ مرا بخواهند  
اگر تو با من دوستی کنی از دشمنانم باکی نیست.

و درزاوین برای  
رسیده مژده که ایام غم نخواهد ماند  
چنان نماند و چنین نیز غم نخواهد ماند

میکوید  
رسیده مژده که غم روزها فلخ ابدی نیست  
زمان - جریان زود گذر بر وقت و با راند و ابدی نیست.

با نگاهی با بین ترجمه ما <sup>بسیاری از</sup> که شاعران روس <sup>بسیاری از</sup> و شکل فزایات حافظ را کم و بیش حفظ کرده اند  
و اگر مثال روسی را بیاد بیاوریم که ترجمه شعر از یک زبان بهتر زبان دیگر مانند  
پشت قالی <sup>نماند</sup> که نقشها در آن هست ولی رنگها نیست با زباید بگوئیم که مترجمان  
روس کوشیده اند که "رنگهای شعر حافظ را هم بقدر امکان نشان دهند و گاهی هم بهلاف  
رسیده اند. البته در اینجا برای اختصار از ترجمه هر فزل بیعی آورده شد و مسلم  
است که برای اینکه تصور کامل حاصل شود میبایستی تمام فزل با ترجمه این تطبیق میداد.  
گاهی یک فزل را چند شاعر ترجمه کرده اند که اگر فرضی بود ملائمت آنها هم با  
اصل بحث جالبی میدهد.

جز شاعرانی که نامشان برده شد چندین شاعر دیگر نیز بعضی فزلهای حافظ  
را ترجمه کرده اند و جای هیچگونه تردیدی نیست که در آینده نیز دوستاران حافظ  
برای ترجمه اشعار جاودانی او کوششهای تازه تر و عوفیق آمیزتری خواهند کرد.  
زیرا شعر حافظ در حالیکه برای همه کس خورشید و آرزو شنی و گرمی دارد مانند  
درفای دریاها پوشیده و راز آلود است و هر کسی هر بار و اندیشه و احساس تازه ای  
در آن کشف میکند.



وقتی از ترجمه غزلیات حافظ سخن بمیان است باید یاد آور شد که شعر حافظ نه تنها بزبان روسی بارها ترجمه و چاپ شده بلکه به شعر زیبا نهی دیگر شوروی نیز انتشار یافته است. مثلا ترجمه دیوان حافظ یا بعضی از غزلیات او را بزبانهای اوکراینی - ارمنی آذربایجانی ازبکی کازاخی ترکمنی و زبانهای دیگر میتوان دید.

روشن است که خواجه حافظ شیرازی پیش از هر جهوی دیگر شوروی در تاجیکستان - سرزمین همزبان او مرید و دوستار دارد. نویسنده مشهور تاجیک صدرالدین عینی مینویسد که پیش از انقلاب سوسیالیستی بین دهقانان تاجیک چنین رسم بود که هنگام کشت و زرع زمین برای شگون غزلیات حافظ را با صدای بلند جمعی میخواندند.

امروز نیز غزل حافظ پیش در آمد انجمن های ادبی و بزمنهای شاعران تاجیک و موضوع آوازه های ملی و آهنگهای دلنشین خلقی است که در شهرها و دهات و کوهستانهای تاجیکستان خوانده میشود. دیوان حافظ شیرازیها نظیر که در ایران عزیزترین کتاب بحر خوانده میشود و خواهد بود در تاجیکستان نیز همان اندازه محبوب مردم میباشد.

باستانی یا ریزی طی مقاله جا لبی مینویسد که حافظ علاوه بر اینکه قرآن را از برداشته موسیقی دان و سراینده اشعار توأم با موسیقی بوده است که در آن زمان سراینندگان هم حافظ نامیده میشدند و اگر این گفته هنوز هم با ثبات نرسیده باشد بهر حال زبیده حافظ است و نکته جالب دیگر اینست که امروزه در تاجیکستان آوازخوان و سراینده اشعار و آهنگهای موسیقی را حافظ مینامند یا این عنوان یادگار بر افشار شاعر بزرگ شرق است؟

دیوان خواجه حافظ بخط امیرعلی امیرعلی امروزی تاجیک در سال ۱۹۴۷ توسط صدرالدین عینی و پروفسور بولد ریف انتشار یافت و پس از آن در سال ۱۹۶۰ و ۱۹۶۰ مجموعه های دیگری از غزلیات بجا پ رسید.

در آستانه جشن شصت و پنجاه سالگی تولد حافظ ۴۳ غزل او از روی قدیمترین نسخه خطی که گفته میشود مقارن با زمان حیات شاعر تدوین شده و در فرهنگستان علوم تاجیکستان موجود است. بخط فارسی و الفبای نو تاجیک انتشار خواهد یافت.

بعلاوه آثار علمی و تحقیقی در باره عمر حافظ / زندگی و شعری توسط انجمنان و ادیبان تاجیک منتشر میشود که از آن جمله " جشن نامه حافظ " و حافظ نامه ~~موسسه~~ میباشد.

با لگد شاعر نابغه حافظ شیرازی که در ایران و غالب کشورهای جهان



بر گزار میشود در مراکز علمی و ادبی و فرهنگی مسکو لنینگراد و البته در  
 قازاقستان و جمهوری های دیگر امضا و موردی شکوهند انه بر گزار خواهد شد .  
 میگویند هنرمندان بزرگ دارای دو تاریخ تولد و مرگ نیستند  
 بلکه تنها یک تاریخ تولد دارند و بس .

خواجہ حافظ شیرازی از بزرگترین هنرمندان است که جاودانه  
 زنده خواهد بود .

کارمند علمی انجمنی ادبیات جهانی بنام ماکس گرگی  
 زاله

۱۹۷۱

۲۱۹

